

## ابعاد هنری تصاویر شعری طاهره صفارزاده و تطبیق آن با محتوا

### چکیده

طاهره صفارزاده یکی از شاعران صاحب سبک شعر نوی فارسی بالاخص از حیث توجه به تصاویر شعری و فرم و شکل ظاهری آن است. واکاوی شعر او نشان می‌دهد که علاوه بر تأکید وی بر حضور اندیشه و معنا در شعر، شکل ظاهری و تصاویر هنری هم در سخنان او مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که در ساختار شعری خود، بیش از همه عناصر شعری، به مسئله شکل و تصاویر شعری اهمیت می‌دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در واقع، آنچه به شعر او، بیش از هر عنصر دیگر وجه شعری می‌بخشد بیان معانی و مفاهیم ذهنی در قالب تصاویر عینی است. او برای تحقق این هدف از دو نوع تصویر و یا بهتر است بگوییم از سه نوع تصویر کمک می‌گیرد. نوع اول تصاویر جزئی هستند که در قالب بیان‌های هنری از قبیل استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه و ... متبلور می‌شوند و نوع دوم آن است که از پیوستن همین اجزای تصاویر جزئی، به صورت کلی که همان بیان هنری شعری است، متجلی می‌شوند؛ سرانجام تصویر و شکل ظاهری یا همان فرم شعر است که در بسیاری از مواقع به کمک تصاویر درونی شعر می‌آید و با تشکیل و تداعی تصویری عینی در سیمای بیرونی شعر، انتقال معنی و مفهوم شعری را قوی‌تر می‌گرداند و شاید این امر، یکی از مختصات سبک‌ساز شعر صفارزاده است که ادبیات او را شایان توجه کرده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی تصاویر هنری شعر طاهره صفارزاده.
۲. بررسی و تحلیل ابعاد تصاویر هنری شعر طاهره صفارزاده.

### سوالات پژوهش:

۱. تصاویر هنری شعر طاهره صفارزاده چگونه است؟
۲. ابعاد تصاویر هنری شعر طاهره صفارزاده چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: تصویر هنری، صفارزاده، محتوا.

## مقدمه

صفا زاده یکی از شاعران نواندیش و صاحب سبک شعر معاصر است. وی از شعرای معروف قبل و بعد از انقلاب است که با بینش اجتماعی عمیق ناشی از بصیرت سیاسی و انقلابی، کوشیده است تعهد اجتماعی خود را با نگاه بشردوستانه و قراردادن شعر در خدمت جامعه و اخلاق به شکل ملموس نشان دهد. در نگاهی فراگیر و کلی می‌توان اشعار وی را به سه دوره شعری تقسیم کرد: دوره نخست، شاعر در این دوره، مجموعه‌هایی چون: رهگذر مهتاب (۱۳۴۱) و دفتر دوم را سرود. مهم‌ترین ویژگی شعرهای این دوره، غلبه حس رمانتیک بر فضای کلی شعر است. در این اشعار، شاعر هنوز سبک شخصی خود را پیدا نکرده است. دوره دوم، با آثاری چون سد و بازوان (۱۳۵۰)، طنین در دلتا (۱۳۴۹) و سفر پنجم (۱۳۵۶) همراه هست. این دوره در قیاس با دوره نخست، نشان از تلاش زیاد و عرق‌ریزان روحی شاعری دارد که در جست‌وجوی زبان و سبکی تازه، راه خود را یافته است. شعرهای این دوره از موفق‌ترین نمونه‌های شعری صفا زاده است که ضمن برخورداری از اندیشه قوی، جوهر شعری را از دست نداده و درخشش صفا زاده هم همین دوره است که او را در سلک شاعران موفق معاصر درآورده است. دوره سوم که مجموعه‌هایی چون: مردان منحنی (۱۳۶۶)، بیعت با بیداری (۱۳۵۸)، دیدار صبح (۱۳۶۶)، در پیشواز صلح (۱۳۸۵)، هفت سفر (۱۳۸۴)، روشنگران راه (۱۳۸۴)، اندیشه در هدایت شعر (۱۳۸۴) و ... حاصل آن است، با افول شعر صفا زاده مواجه هستیم، در این دوره، شاعر به ورطه کلی‌بافی و شعار افتاده، از این‌رو، در اشعار این دوره او از جوهر شعری، چندان اثری نیست.

در ابتدای دوران شاعری، شعرهایش بر مبنای اوزان نیمایی است، شعری می‌سراید که به قول خودش: «شعری بی تشویش وزن، با روشنی استعاره، زمزمه‌های روشن فکرانه و طنین» (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۲۰). شعر وی سرشار از حرکت و پویایی و جنبش و خروش است و زندگی را نوید می‌دهد. از آنجاکه نود درصد اشعار طاهره صفا زاده از نوع شعر سپید می‌باشد می‌توان بیان کرد که: شعر سپید شعری است که از قیدوبند وزن و قافیه و محدودیت‌های عروضی رها شده و موسیقی درونی و طبیعی در آن جایگزین موسیقی بیرونی (عروض) شده است. این موسیقی از هم‌نشینی متناسب صامت‌ها و مصوت‌ها و طنین کلمات ایجاد شده است. در واقع، این کلمات و حروف هستند که در شعر سپید به سماع درمی‌آیند و شعر بی‌وزن و قاعده را موزون و قانونمند می‌کنند. «بی‌تردید شعر از درون واژه پدید می‌آید و واژه خود در شعر حیاتی تازه دست می‌یابد؛ یعنی در یک کنش متقابل، شعر و واژه در ترازوی همگون، جهان و خود را دگرگون می‌کند» (فلکی، ۱۳۸۵: ۱۴۰) در تعریف دیگر، «شعر سپید هر چند آهنگین است، اما وزن عروضی ندارد و جای قافیه‌ها در آن مشخص نیست» (شمیسا، ۱۳۴۲: ۳۴۶). شعر سپید به دلیل ارائه تصویرها و تابلوی زیبا به زبان شعر، بیش از آنکه شنیداری باشد، شعری دیداری است. شاعر علاوه بر این که شعر خود را به گوش مخاطب می‌رساند، او را به تماشای تابلویی زیبای اشعارش نیز فرامی‌خواند. همچنان که نمی‌توان حرکات موزون را توضیح داد و آن، پدیده‌ای دیداری است، اگر عناصر و اجزای سازنده شعر سپید را فرم، محتوا، زبان، تصویرسازی، صور خیال، استفاده از آرایه‌های برجسته موسیقی‌ساز و ... بدانیم توجه به فرم و محتوا از ضروریات اولیه این نوع شعر می‌باشد؛ زیرا محتوا «موضوع یا محتوا همان اندیشه کلی است که زیربنای داستان، شعر یا نوشته قرار می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۰: ۱۳۱)؛ به عبارت دیگر، «موضوع یا محتوا قلمرویی است که در خلایق می‌تواند درون‌مایه خود را به نمایش بگذارد» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۰) می‌باشد. شعر، در همه زبان‌ها، موسیقایی شدن عواطف است در زبان تصویر. تمام فرم‌ها از همین جا نشأت می‌گیرد و هنر چیزی جز فرم نیست (کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۹۸). فرم در شعر سپید از عناصری تفکیک‌ناپذیر است و ساختن و پرداختن به آن، از

ملزومات شعر بوده و زیبایی و استحکام ظاهری آن را پدید می‌آورد، هرچند که باید آگاه بود تا محتوای شعر از تلفیق و آمیزش متناسب فرم و محتوا تشکیل می‌شود، به عبارت دیگر، فرم و محتوا هر دو مکمل یکدیگر هستند. در شعر سپید علاوه بر تحول فرم، دگرگونی و تازگی در محتوا نیز وجود دارد که این دگرگونی از تغییر نگرش‌ها نسبت به مسائل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دینی و ... است. در این نوع شعر، فردیت شعر مطرح می‌شود و جهان از زاویه دید حقیقی و حقوقی شاعر دیده می‌شود. از نظر صفارزاده هم «ارزش فرم، در بهتر گفتن آن چیزی است که برای گفتن داریم و «بهتر» به معنای ادای مطلب است با سلیقه متعالی» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که در زمینه تصاویر شعری به‌طور عام پژوهش‌هایی صورت گرفته اما در زمینه تصاویر شعر صفارزاده به‌طور خاص، پژوهشی صورت نگرفته است. پژوهش‌هایی مرتبط با این موضوع صورت گرفته که در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. تألیفات و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع به شرح زیر است: ۱- کتاب بلاغت تصویر از دکتر محمود فتوحی رود معجنی؛ ۲- کتاب صور خیال در شعر فارسی از محمدرضا شفیعی کدکنی؛ ۳- کتاب طلا در مس از رضا براهنی «مقالات تصویر در شهر سپید»، طاهری و رحمانی (۱۳۹۰)؛ «سطوح بلاغی خیال در تصاویر شعر معاصر» از حسن دلبری و فریبا مهری (۱۳۹۴)؛ «بررسی تصویرهای هنری در شعر عاشورایی شریف رضی» توسط فرید و ملازاده (۱۳۹۶)؛ «نقد شعر طاهره صفارزاده» توسط احمد خلیلی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «کارکرد تصویر هنری در شعر شیعی»، توسط احمد امید علی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «تحلیل ساختاری فرم و محتوا در شعر سپید»، توسط مینا آقازاده، انجام شده است.

### نتیجه‌گیری

تصویر کلی اشعار پایداری صفارزاده، تصویر مبارزه با ظلم و بیداد و فضای خفقان حاکم بر جامعه است. در اشعار صفارزاده از عناصر تصویری مانند تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، گفت‌وگو، رنگ استفاده شده است. در شعر صفارزاده، تصاویر تشبیه نسبت به بقیه تصاویر از بسامد بالایی برخوردار است. بعد از تشبیه، استعاره دارای بسامد بالایی نسبت به بقیه تصاویر است، طوری که صفارزاده خود در مورد تشبیه و استعاره در شعرش می‌گوید: در شعر من استعاره و تشبیه هر کدام با شخصیت مستقل، عامل ارتباط پروازهای ذهنی می‌شوند و هر کدام می‌تواند در عین وابستگی به تصویر بعدی و قبلی، به‌عنوان تصویر اصلی تلقی شوند. او در اشعار خود از استعاره‌هایی استفاده کرده که ذهن خواننده با آن استعاره‌ها آشنا بوده و از به‌کاربردن استعاره‌هایی که شعر را تبدیل به معما می‌کند پرهیز کرده است. صنعت تجسم و تشخیص که باعث ایجاد پویایی در تصویر می‌شود نیز در اشعار صفارزاده به چشم می‌خورد. او در اشعار خود از کنایه و مجاز تقریباً در یک سطح بهره برده است. از عنصر تصویرساز رنگ نیز در اشعار صفارزاده به‌وفور استفاده شده که این رنگ‌ها یا تلفیقی از چند رنگ و یا تک‌رنگ هستند. رنگ‌های سفید، سرخ، تیره (سیاه) و ... رنگ‌های موجود در اشعار صفارزاده هستند که با فضای پاکی و طهارت، ایثار و شهادت، غم و اندوه، روشنائی، فتح و نوید تناسب دارند. فرم در شعر سپید صفارزاده عنصری تفکیک‌ناپذیر است و ساختن و پرداختن به آن، از ملزومات شعر بوده و زیبایی و استحکام ظاهری آن را پدید می‌آورد. هرچند باید آگاه بود تا محتوای شعر قربانی فرم آن نگردد. شاعر سپیدسرای با در اختیار گرفتن جمله‌های کوتاه و بلند در شعر خود، مخاطب را لحظه‌لحظه با خود همراه می‌کند و به این ترتیب لباسی از فرم تازه به شعر می‌پوشاند.

## منابع و مأخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- ابراهیم، عبدالمجید. (۲۰۰۸). قاموس الألوان عندالعرب. قاهره: دارالفضیله.
- اتین، یوهانس. (۱۳۷۸). عناصر رنگ اتین. ترجمه: بهروز ژاله دوست، تهران: عفاف.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ نام ادبی فارسی ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). طلا در مس. چاپ اول، تهران: ناشر نویسنده.
- بستانی، محمود. (۱۴۰۹). الاسلام و الفن. چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- تقی‌زاده، هدایت‌الله. (۱۳۹۰). کیفیه‌الحوار، انواع و اسلوبه فی القرآن الکریم. قم: انتشارات دارالعلم.
- ثروت، منصور. (۱۳۹۰). آشنایی با مکتب‌های ادبی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
- داد، سیما. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
- رفیعی، علی‌محمد. (۱۳۸۶). بیدارگری در علم و هنر (شناخت‌نامه طاهره صفارزاده). جلد اول، تهران: نشر هنر بیداری.
- زرین‌کوب، حمید. (۱۳۶۷). مجموعه مقالات، چ ۱، تهران: علمی و معین.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴). شعر بی‌نقاب، شعر بی‌فروغ چ ۱، تهران: محمدعلی علمی.
- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۶). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. چ ۲، تهران: نشر ثالث.
- خلیلی، عظیم. (۱۳۷۳). «فرم در شعر». مجله چیستا، اردیبهشت و خرداد، شماره ۱۰۹-۱۰۸، ص ۷۷۱.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۸۵). مکتب‌های ادبی، چ ۲، چ ۱۰، تهران: انتشارات نگاه.
- شایگان‌فر، حمیدرضا. (۱۳۸۰). نقد ادبی مکاتب نقد همراه با نقد و تحلیل شواهد و متونی از ادب فارسی، تهران: دستان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران). تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). فرهنگ اشارات. چ ۲، چ ۲، تهران: نشر میترا.
- (۱۳۷۵). مبانی و بیان ۲، چ ۶: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، تهران: پارس کتاب.
- صنیف، شوقی. (۱۴۲۸). تاریخ الادب العربی: عصر الدول و الامارات. الجزيرة العربیه العراق، ایران، قم: ذوی القربی.
- عتیق، عبدالحزیز. (۱۹۷۲ م). فی النقد الادبی. الطبعة الثانی، بیروت: دارالنهضة.
- غنیمی هلال، محمد. (۲۰۰۱). النقد الادبی الحديث. الطبعة الثانیه، قاهره: نهضته مصر.
- فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. چ اول، تهران: سخن.

- فلکی، محمود. (۱۳۸۵). موسیقی در شعر سپید فارسی. تهران: نشر دیگر.
- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۸۵). بیان زیباشناسی سخن پارسی. تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
- کوپر، جی سی. (۱۳۷۹). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه: ملیحه کرباسیان، چ ۱، تهران: فرشاد.
- لوشر، مارکس. (۱۳۸۸). روانشناسی رنگ‌ها. ترجمه: ویدایی‌زاده، تهران: نشر درسا.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری. چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
- نیکوبخت، ناصر؛ سیدعلی، قاسم‌زاده. (۱۳۸۴). «زمینه‌های نمادین رنگ در شهر معاصر با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۷(۲)، ۲۱۰-۲۴۰.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ دوم، تهران: مؤسسه نشر هما.
- یافی، نعیم. (۱۹۸۲م). مقدمه الدراسه الصوره الغنیه. دمشق: وزاره الثقافه.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۱). کاغذ زر. چ ۱، تهران: علمی.